



شهادت مأمور پلیس در یزد

یکی از مأموران پلییس شهرستان یزد در جریان درگیری با سوداگران سرگ به شهادت رسید. به گزارش جوان، دوروز قبل مأموران پلیس یزد از انتقال محموله مواد مخدر با خیر و بعد از انجام تحقیقات در ایسن باره وارد عمل شدند. در جریان تعقیب خودروی سوداگران کم بود که ستوان دوم جواد زارعی از مأموران مبارزه با مواد مخدر در جریان درگیری با قاچاقچیان به شهادت رسید. تحقیقات پلیس برای بازداشت عاملان حادثه جریان دارد. از شهید زارعی دو فرزند پنج‌ساله و دو ماهه به یادگار مانده است.

مرگ غم‌انگیز دختر بچه ۴ساله داخل خودرو

دختر بچه چهار ساله که به دلیل حواس پرتی والدینش داخل خودرو جا مانده بود به علت گرم‌ماژدگی فوت شد.

غلام‌رضا حیدر نژاد، رئیس اداره پزشکی قانونی راهپرزم گفت: ظهر روز شنبه ۲۸ خرداد ماه وقتی به زنی جوان خبر رسید خواهرش فوت شده همراه



شوهر و دختر چهار ساله‌اش راهی خانه پدری شد. آنها وقتی به مقصد رسیدند فراموش کردند دختر چهارساله‌شان را که به خواب رفته‌بود، بیدار و با خود همراه آنها. آنها ساعتی بعد که به سراغ طفل رفتند متوجه شدند او به علت شدت گرما فوت شده‌است. بررسی‌ها نشان داد کودک چند ساعت در هوای بسیار گرم داخل خودرو که درهایش قفل شده‌بود، رها شده و به دلیل استرس، شدت گرما و نبود اکسیژن جانش را از دست داده است. رئیس پزشکی قانونی راهپرزم گفت که نتایج اولیه بررسی‌های جسد، فوت‌بر اثر گرم‌ماژدگی را تأیید می‌کند.

قتل مرئوز دختر جوان در خانه اجاره‌ای ساعتی

غلام‌رضا مستکی

تحقیقات پلیس پایتخت درباره قتل دخترکی که در یکی از خانه‌های اجاره ساعتی به قتل رسیده است
جرایان دارد. **پسری که همراه مقتول در محل حضور داشت به عنوان مظنون اصلی تحت تعقیب قرار دارد.**

به گزارش جوان، ساعت ۱۴ بعد از ظهر روز شنبه ۲۸ خرداد قاضی محمدتقی شعبانی، باز پرس ویژه قتل داده‌سرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو از قتل دختر جوانی در آپارتمان مسکونی با خیر و همراه تیمی از کاراگاهان ادارهدهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی داخل اتاق خواب آپارتمان مسکونی در یکی از خیابان‌های اطراف کلانتری با جسد دختر ۳۵ساله‌ای به نام شهره روبه‌رو شدند که با ضربه چاقو به گردنش به قتل رسیده بود.

نخستین بررسی‌ها حکایت از آن داشت مقتول همراه پسر جوانی به نام فرهاد روز گذشته این خانه میلیه را اجاره کرده‌اند تا اینکه ظهر امروز وقتی صاحبخانه برای تحویل خانه‌اش مراجعه می‌کند با جسد خونین دختر جوان مواجه می‌شود و موضوع را به مأموران پلیس خیر می‌دهد.

صاحبخانه در توضیح ماجرا گفت: «مدتی قبل تصمیم گرفتم آپارتمان مسلّم‌ام را به صورت روزانه اجاره بدهم چون درآمد خوبی دارد و خانه‌ام نیز همیشه در اختیار خودم است. من برای اجاره آپارتمانم در فضای مجازی آگهی می‌دهم و معمولاً هم مشتریان از این طریق خانه را اجاره می‌کنند. روز قبل پسر جوانی با من تماس گرفت و گفت همراه همسرش از شهرستان برای انجام کاری به تهران آمده است و می‌خواهد خانه‌ام را به مدت ۲۴ساعت اجاره کند. او گفت اگر کارش در تهران زمان بیشتری ببرد، پس از ۲۴ساعت دوباره اجاره را تمدید می‌کند و در غیر این صورت هم خانه را در زمان تعیین شده تحویل می‌دهد.»

وی ادامه داد: «امروز ساعت ۸صبح پسر جوان با من تماس گرفت و گفت ساعت ۱۲.۳۰ خانه‌ام را تخلیه می‌کند و قرار شد همان ساعت برای تحویل کلید به خانه‌ام بروم. من سر ساعت به خانه رفتم، اما هر جقدر رنگ خانه را زدم کسی در را باز نکرد. پسر جوان حتی تلفن همراهش را هم جواب نداد و من هم فکر کردم شاید خواب باشند یا برای کاری بیرون رفته باشند. به همین خاطر منتظرشان ماندم، اما وقتی خبری از آنها نشد و در خانه را هم باز نکردند، نگران شدم و با اداره پلیس و آتش‌نشانی تماس گرفتم و درخواست کمک کردم. وقتی آتش‌نشانی در را باز کرد، همراه مأموران پلیس وارد خانه‌ام شدم و با جسد خونین دختر جوان روبه‌رو شدم.»

بررسی‌های مأموران نشان داد اموال و گوشی تلفن همراه مقتول سرقت شده‌است و از زمان مرگ او هم حدود ۱۰ ساعت می‌گذرد. همچنین مشخص شد پسر همراه وی پس از حادثه از محل گریخته و به مکان نامعلومی رفته است و بدین ترتیب پسر جوان به عنوان مظنون حادثه تحت تعقیب قرار گرفت. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم مأموران پلیس به دستور بازپرس جنایی در تلاشند تا متهم را دستگیر و زوایای پنهان این حادثه را بر ملا کنند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

آرمین بینا

زن میانسال پسی از شنیدن خبر دستبرد سارقان به صندوق امانات بانک ملی پس انداز میلییاردی‌اش را از صندوق اجاره‌ای به خانه آورد اما در دام سارقانی آشنا گرفتار شد.

به گزارش جوان، چندروز قبل زن میانسالی سراسیمه به اداره پلیس رفت و گفت سارقان ناشناسی به خانه‌اش دستبرد زده و چند میلیارد اموالش را سرقت کرده‌اند.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «شوهرم برج ساز و تاجر است و وضع مالی خوبی داریم و در خانه بزرگی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران زندگی می‌کنیم. از آنجایی که گاهی اوقات همراه شوهرم برای تفریح یا کار تجاری به خارج از ایران می‌روم، اموال با ارزشم را در صندوق امانات بانک نگهداری می‌کردم تا اینکه دو هفته گذشته سارقان حرفه‌ای به صندوق امانات بانک ملی در تهران دستبرد زدند و ۱۶۸ صندوق مشتریان را خالی کردند. قبل از این حادثه خیلی به صندوق امانات بانک اطمینان داشتم و با خودم فکر می‌کردم اموالم را در مکان امنی نگهداری می‌کنم اما پس از این حادثه نگران سرمایه ام شدم و می‌ترسیدم آن را از دست بدهم. ترس و نگرانی آنقدر مرا آزار داد که تصمیم گرفتم اموالم را از صندوق امانات بردارم و در خانه‌ام نگهداری کنم. فکر می‌کردم خانه‌ام امن‌تر است اما اشتباه فکر می‌کردم و خیر نداشتم سارقانی در کمین اموال من هستند و به محض اینکه از خانه خارج شوم اموالم را سرقت می‌کنند.»

وی ادامه داد: «به‌رحال من تمامی سرمایه‌ام را که حدود ۸ میلیارد تومان ارزش داشت و شامل سکه، طلا، جواهرات و پول‌های خارجی بود به خانه‌ام منتقل کردم و در جای امنی مخفی کردم. مقداری را داخل بالشت‌ها و مقداری را هم داخل یخچال بین گوشت‌های یخ‌زده جاسازی کردم و به خیال خودم فکر می‌کردم عقل جن هم به آن نرسد. البته من در یک میهمانی که تعداد زیادی از دوستان و بستگان نزدیکم حاضر بودند تعریف کردم که به خاطر ترس از سرقت، اموالم را از صندوق امانات بانک برداشته‌ام

و به خانه‌ام آورده‌ام اما محل نگهداری آنها را لو ندادم. چند روز قبل به مسافرت رفتم و امروز وقتی به خانه‌ام برگشتم دیدم، وسایل خانه‌ام بهم ریخته است و هنگام سرسرت نقاب به صورت داشته‌اند تا شناسایی نشوند. از سویی دیگر مأموران پلیس احتمال دادند یکی از سارقان فرد آشنایی است و در آن میهمانی که شاکلی گفته اموالش را از صندوق امانات بانک به

پس از شکایت زن میانسال مأموران پلیس به دستور

حوادث

سرویس حوادث۴۸۸۹۸۴۳۵

بی‌اعتمادی به صندوق امانات بانک

فامیل دور را گرفتار کرد



باز پرس پرورنده تحقیقات خود را برای شناسایی سارقان آغاز کردند اما هیچ ردی از آنها پیدا نکردند. بررسی‌ها نشان داد سارقان که در مرد جوان هستند هنگام سرسرت نقاب به صورت داشته‌اند تا شناسایی نشوند. از سویی دیگر مأموران پلیس احتمال دادند یکی از سارقان فرد آشنایی است و در آن میهمانی که شاکلی گفته اموالش را از صندوق امانات بانک به

باز پرس پرورنده تحقیقات خود را برای شناسایی سارقان آغاز کردند اما هیچ ردی از آنها پیدا نکردند. بررسی‌ها نشان داد سارقان که در مرد جوان هستند هنگام سرسرت نقاب به صورت داشته‌اند تا شناسایی نشوند. از سویی دیگر مأموران پلیس احتمال دادند یکی از سارقان فرد آشنایی است و در آن میهمانی که شاکلی گفته اموالش را از صندوق امانات بانک به

متهم: اعتیاد زندگی‌ام را تباه کرد

محبوبه قربانی

مرد معتاد که از چهار سال قبل به اتهام قتل یکی از دوستانش در بازداشت به سر می‌برد در جلسه دادگاه ماجرا را شرح داد. او گفت زندگی‌اش را به خاطر مصرف مواد مخدر تباه کرده است.

به گزارش جوان ، ۱۰اردیبهشت سال ۹۷، مأموران پلیس از ناپدید شدن مردی میانسال باخیر و تحقیقات خود را در ایسن زمینه نام کردند. همسر آن مرد گفت: «شوهرم زُرز نام دارد و از اقلیت‌های دینی هستیم. ما وضع

مالی خوبی داریم. شوهرم چند روز قبل برای رفتن به ویلایمان در کرج با خودروی سوئنا تا خانه خارج شد. قرار بود فردای آن روز به خانه برگردد، اما هر چه منتظرش شدم، خبری نشد. چند بار هم با تلفن همراهش تماس گرفتم، اما پاسخگو نبود. خیلی نگران شدم و برای اینکه از او خبری بگیرم با یکی از دوستانمان در کرج تماس گرفتم و از او خواستم به ویلا سر بزنم. ساعتی بعد آن مرد تماس گرفت و گفت از شوهرم خبری نیست و از ویلا هم سرقت شده است. حالا از پلیس درخواست کمک دارم.»

با اعلام این خیر، تحقیقات برای یافتن مرد ارمنی ادامه داشت که در بررسی فهرست مکالمات تلفن همراه مشخص شد، او آخرین بار با یکی از دوستانش به نام هوشنگ تماس داشته است. به این ترتیب هوشنگ ۴۰ساله بازداشت شد. آن مرد که اعتیاد داشت تحت بازجویی قرار گرفت و سعی داشت پلیس را گمراه کند، اما در روند بازجویی‌ها سرانجام به قتل اعتراف کرد و گفت دوست ارمنی‌اش را بعد از قتل در زیر پله‌خانه‌اش دفن کرده است.»

با ثبت این اظهارات مأموران به آدرس محل دفن جسد رفتند و بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، متهم راهی زندان شد و پرونده هم با کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

روز گذشته متهم در شعبه بازپیم دادگاه به ریاست قاضی ححمتیان محاکمه شد.

دستگیری عامل نزع در پمپ بنزین

معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس امنیت عمومی پایتخت از دستگیری عامل نزع در پمپ بنزین حوالی میدان خریر داد.

سرگرد محمد زیدی به خبرنگار ما گفت: اوایل اسفند ماه سال گذشته به مأموران پایگاه هشتم پلیس امنیت خیر رسید مردی سررور در پمپ بنزین حوالی میدان حر با تهدید چاقو نزعی را رقیم زده است.

وی ادامه داد: همزمان با حضور پلیس مشخص شد که متهم از محل گریخته است. مأموران پلیس با بررسی دوربین‌های مداربسته متهم را که از اشرار سابقه‌دار بود، شناسایی و سرانجام روز گذشته او را بازداشت کردند.

مفقودی

برگ سبز خودروی پر ایدی GLXi مدل ۱۳۸۸ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک (ایران ۶۸-۳۲۷۶ق۲۳) و شماره موتور ۳۲۴۳۳۶۰ و شماره شاسی S۱۶۱۲۲۸۸۰۹۷۹۱۸
متعلق به فریدون عبدلی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

و در آن شرایط به یاد حرف‌های گذشته‌اش افتادم، همه این حرف‌ها در ذهنم مرور شد به همین دلیل اصرار کردم از خانه‌ام بیرون بروم، اما کار به درگیری کشید. درگیری به راه پله‌ها کشید. در آنجا یک میگرد دیدم که روی زمین افتاده بود. آن را برداشتم و یک ضربه به پشت سر او زدم. زُرز با آن ضربه کنترلش را از دست داد و از پله‌ها سقوط کرد. وقتی بالای سرش رفتم می‌خواستم با او رزانس تماس بگیرم، ولی دیدم از نفس افتاده است. نمی‌دانستم با وجد چکار کنم این شد که آن را در پتو پیچیدم و در زیر پله خانه‌ام دفن کردم.»

متهم درباره سرقت اموال مقتول نیز گفت: «آن روز من و مقتول هر دو شیشه مصرف کرده بودیم به همین خاطر در حال طبیعی نبودم. وقتی جسد را دفن کردم گوشی تلفن همراه، سوئیچ خودروی سمونا تا و کلید باغ مقتول را برداشتم و بعد با خودروی او به ویلای‌اش در کرج رفتم. وارد ویلا شدم و همه اموالش را سرسرت کردم. بعد از سرقت اموال مقتول، آنها را به یکی از دوستانم به نام ساسان فروختم.»

بعد از این توضیحات هیئت قضایی جهت صدور رای وارد شور شد.

کفت و گو با متهم چند سال داری؟
۴۰ سال
شغلت چه بود؟
۱۵ سال نقاش بودم اما از زمانی که گرفتار اعتیاد شدم، شغلم را از دست دادم.
متاهلی؟
بله، یک دختر ۹ ساله و یک پسر ۱۷ ساله دارم.

همسرت به ملاقاتت در زندان می‌آید؟
خیر، از وقتی گرفتار اعتیاد شدم همسرم مرا ترک کرد و رفت.
پس تنها زندگی می‌کردی؟
بله، شش‌ماه تنها زندگی می‌کردم که با زُرز شد قاتل شوم.

باز پرس پرورنده تحقیقات خود را برای شناسایی سارقان آغاز کردند اما هیچ ردی از آنها پیدا نکردند. بررسی‌ها نشان داد سارقان که در مرد جوان هستند هنگام سرسرت نقاب به صورت داشته‌اند تا شناسایی نشوند. از سویی دیگر مأموران پلیس احتمال دادند یکی از سارقان فرد آشنایی است و در آن میهمانی که شاکلی گفته اموالش را از صندوق امانات بانک به



آشا شدم.

چه انگیزه‌ای باعث شد دست به قتل بزنی؟

من مصرف کننده بودم و روی رفتارم کنترل نداشتم. اعتیاد زندگی‌ام را تباه کرد و باعث شد قاتل شوم.

وی گفت: « امروز دختر جوان ناشناسی با من تماس گرفت و گفت از دوستان پژمان است. دختر جوان گفت سارق اموالم پژمان است و قرار است به زودی اموال سرقتی را بفروشد و از ایران خارج شود. از آنجایی که پژمان در آن مهمانی حضور داشت و معتاد به مواد مخدر هم است، من به او مشکوک هستم.»

بازداشت متهمان

باهدست آمدن این اطلاعات مأموران پژمان را به عنوان مظنون بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم وقتی به مدارک و دلایل روبه‌رو شد به سرسرت چند میلیاردی با همدستی یکی از دوستانش به نام فریبرز اعتراف کرد.

وی در شرح ماجرا گفت: «آن روز که همراه تعدادی از بستگانم میهمان خانه فامیل خود بودم، وقتی شنیدم اموالش را از صندوق امانات برداشته و به خانه‌اش منتقل کرده است وسوسه شدم و تصمیم گرفتم اموالش را سرقت کنم. او گفت که مقدار زیادی طلا و جواهرات و سکه دارد و در خانه‌اش مخفی کرده است و من هم فکر کردم اموالش را سرسرت کنم و با فروش آن برای ادامه زندگی به خارج از کشور بروم. آن روز با یکی از دوستانم که سابقه سرقت دارد مشورت کردم و قرار شد به خاطر اینکه محل نگهداری طلاها را نمی‌دانستیم ابتدا دستگاه فلزیابی بخریم و بعد در فرصت مناسب به خانه زن پولدار برویم و اموالش را سرقت کنیم.»

وی ادامه داد: «ما دو نفری نقشه سرقت را طراحی کردیم و چندروز قبل به فمهمان فامیل‌مان به مسافرت رفته به خانه‌اش رفتیم و با دستگاه فلزیاب محل نگهداری طلاها و سکه‌ها را پیدا و سرقت کردیم. پس از این از دختر مورد علاقه‌ام خواستم طلاها و جواهرات سرقتی را بفروشد و قرار بوده عنوان دستمزد مبلغی هم به او بدهم اما او مبلغ بیشتری درخواست کرد که قبول نکردم و همین موضوع باعث اختلاف ما شد و در نهایت هم او ما را لو داد.»

با اعتراف متهم، مأموران فریبرز را هم بازداشت کردند و وی در بازجویی‌ها با اعتراف به سرقت اظهارات همدستش را تأیید کرد.

تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

مرگ مشکوک زن سالخورده بوری می‌شود

تحقیقات پلیس پایتخت از مستخدمی که به اتهام قتل پیر زن در یازداشت به سر می‌برد، ادامه دارد.

به گزارش جوان، ساعت ۲۰ شامگاه شنبه ۲۸خرداد به مأموران کلانتری ونک خیر رسیدن زن سالخورده‌ای در یکی از بیمارستان‌ها به طرز مشکوکی فوت کرده است. وقتی مأموران پلیس به محل حادثه رسیدند با جسد زن ۸۸ساله‌ای روبه‌رو شدند که اثر ضرب و جرح روی بدنش نمایان بود. بررسی‌ها نشان داد ساعتی قبل زن فوت شده در حالی که حالتش بد بود به بیمارستان منتقل شده و در نهایت هم فوت کرده است. از آنجایی که مرگ زن سالخورده مشکوک به نظر می‌رسید و خانواده‌اش مدعی بودند به‌دست مستخدم خانه‌اش به قتل رسیده‌است، موضوع به قاضی محمد تقی شعبانی باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اطلاع داده شد و وی هم همراه کارآگاهان ادارهدهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کرد. تیم جنایی در نخستین گام از مستخدم زن فوت شده تحقیق کردند. وی در ابتدایی گفت: «زن فوت شده به‌دل‌اخلاق بود و همین خاطر گاهی با هم درگیری می‌شدیم اما امروز او از روی تخت به پایین سقوط کرد و حالتش بد شد که او برای درمان به بیمارستان منتقل کردم.»

همزمان باانامه تحقیقات درباره این حادثه جسد زن سالخورده برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد. تحقیقات از مستخدم به عنوان مظنون حادثه‌انامه دارد.

تصادف

عمو و برادرزاده سارق را گرفتار کرد

عمو و برادر زاده که سوار بر موتور گومشی شهروندان را سرسرت می‌کردند هنگام فرار تصادف کرده و به دام پلیس افتادند.

به گزارش جوان، دوم خرداد ماه بود که مأموران کلانتری اوبوسید هنگام گشت‌زنی حوالی میدان منیریه به واگب و تر کنشین موتور آپاچی مظنون شده و آنها را تحت نظر قرار دادند. لحظاتی بعد در حالی که تر کنشین موتور قصد سرقت گومشی تلفن همراه مردی رهگذر را داشت مأموران برای بازداشت آنها وارد عمل شدند. در حالی که سارقان در سرقت ناکام مانده بودند به سرعت از محل دور شدند و عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد. در جریان تعقیب و گریز بود که موتور سارقان با یک خودروی عبوری تصادف کرد و مأموران موفق شدند تر کنشین را بازداشت کنند، اما واگب موفق به فرار شد. مأموران پلیس در بازرسی از متهم بازداشت شده دو گوشی سرقتی کشف کردند. متهم در بازجویی‌ها به سرسرت‌های سریالی و همدستی عموییش اعتراف کرد. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت مأموران موفق شده‌اند متهم را شناسایی و او را بازداشت کنند. دو متهم در بازجویی‌ها به سرقت بیش از ۴۰ فقره سرسرت اعتراف کردند. سرهنگ کار آگاه علی عزیزخانی رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در پایگاه هشتم پلیس آگاهی جریان دارد.

مفقودی

برگ سبز خودروی سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۲ رنگ نقره‌ای متالیک به شماره پلاک (ایران ۶۸-۴۹۶۶۱)
و شماره موتور ۱۰FSJ۵۴۴۲۹۹۵۳ و شماره شاسی ۸۲۶۱۹۳۷۳ متعلق به جواد واحدی مقدم مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

مفقودی

برگ سبز، سند کمپانی خودرو سواری پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس‌آی ۱/۸ مدل ۱۳۸۵ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره پلاک -ایران ۹۹-۱۸۸۸-۹۴ به شماره موتور ۱۲۴۸۵۰۸۳۹۹۸ و شماره شاسی ۱۳۲۳۵۸۸۴ متعلق به محسن قلی‌نوا اصل امامچائی با کد ملی ۰۰۳۵۹۶۸۴۷۸
مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
افل